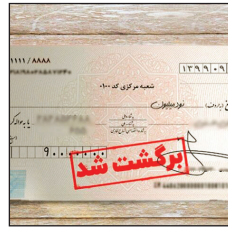


روش های رفع سوء اثر چک برگشتی

اگر در سررسید چک یا حساب بانکی موجودی نداشته باشد چک برگشتی می خورد و برای رفع سوء اثر باید ابتدا به اندازه مبلغ چک، حساب جاری را پر کنید و بانک مبلغ را به حساب در یافت کننده، واریز کند. یا اینکه فرد صادر کننده چک، لاشه چک برگشتی را به بانک تحویل دهد و سپس بانک رسید تحویل لاشه چک برگشتی را به فرد بدهد. اگر لاشه چک برگشتی را به هر دلیل گم کرده باشید در یافت کننده چک باید رضایت نامه محضری به شما بدهد.



شرایط فرزند خواندگی

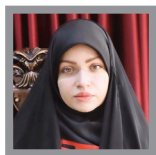
۱) زن و شوهری که ۵ سال از تاریخ ازدواج آنان گذشته باشد و صاحب فرزند نشده باشند، مشروط به اینکه حداقل یکی از آنان بیش از ۳۰ سال سن داشته باشد. ۲) زن و شوهر دارای فرزند مشروط به اینکه حداقل یکی از آنان بیش از ۳۰ سال سن داشته باشد. ۳) دختران و زنان بدون شوهر، در صورتی که حداقل ۳۰ سال سن داشته باشند، منحصر ا حق سرپرستی آنان را خواهند داشت.



باشگاه و کلا

آگاهی از مسائل حقوقی به پیشگیری از وقوع بسیاری از جرائم و حوادث ناخوشایند کمک می کند. در این صفحه با کمک گروهی از بهترین و کلا و حقوق دانان دادگستری به سؤالات روز حقوقی شما پاسخ می دهیم.

خودکشی یا دعوت به خودکشی؟



زینب ریاضت

وکیل پایه یک دادگستری

یکی از سؤالات اساسی و بسیار مهمی که گاهی مطرح می شود این است که آیا خودکشی و یا کمک به خودکشی دیگری به هر شکل، جرم است؟ درست است که جرم خودکشی باعث آسیب رساندن به دیگر افراد نمی شود و مرتکب تنها به نفس خود صدمه می رساند و در فرض فوت هم اعمال مجازات منتفی است اما باید توجه کرد که موضوع مذکور ابعاد متعددی دارد.

صرف نظر از جوانب فقهی و شرعی و اینکه خودکشی مصداق عمل حرام در شریعت ماست، از منظر قانونگذار فردی که اقدام به خودکشی می کند حتی در فرض عدم موفقیت هم به جهت تأملات روحی نیازمند سرزنش و واکنش اجتماعی نیست اما در فرضی که نظم عمومی جامعه با اقدام به خودکشی دچار مشکل شود یا تشویق و تحریک و مساعدتی از سوی دیگران انجام شود موضوع متفاوت است زیرا هر گونه معاونت به هر شکل اعم از تحریک و تشویق و تسهیل در جرم خودکشی دارای مجازات است. مطابق مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات همه طرق معاونت و مجازاتها مشخص شده و ابهامی که اینجا به وجود می آید چگونگی مجازات معاون یا توجه به عدم مجازات مرتکب اصلی است. از این رو قانونگذار در خصوص معاونت در خودکشی ناگزیر از قانونگذار مستقل از مقررات عام است. به عنوان مثال با تصویب قانون جرائم رایانه ای در سال ۱۳۸۸ دعوت به خودکشی جرم انگاری شده است و مطابق با این قانون، برای اینکه دعوت به خودکشی جرم باشد، باید منحصر از طرق سامانه های رایانه ای، مخابراتی و حامل های داده به عمل آید. مهم نیست که در دعوت به خودکشی، روش چه باشد و تفاوتی هم وجود ندارد که خودکشی با روش مورد نظر دعوت کننده محقق شود یا نشود. به عنوان مثال اگر فردی با انتشار فیلم یا عکس و مطلبی از طریق سامانه رایانه ای، دیگری را به خودکشی از طریق مصرف قرص تشویق کند اما مخاطب با حلق آویز کردن خودکشی کند تفاوتی وجود ندارد و جرم دعوت به خودکشی مقید به نتیجه نیز نیست، هر چند برای تحقق آن احراز عنصر معنوی همچون سایر جرائم ضروری است. پس اگر فردی از اسلحه دیگری بدون اطلاع وی استفاده و خودکشی کند یا توجه به فقدان علم و آگاهی صاحب اسلحه وی به عنوان معاون جرم قابل تعقیب و مجازات نیست. در مورد تشویق و تحریک نوجوانان به خودکشی نیز قانونگذار، جرم انگاری مستقل کرده است. طبق ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هر کس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه در فرض فوت طفل و نوجوان، تا ۵ سال حبس، در فرض عدم فوت و ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان ۶ ماه تا ۲ سال، در صورت عدم تأثیر قابلیت صدور حکم حبس تا ۳ ماه دارد. فلذا این تصور که خودکشی و هیچ یک از اقدامات دیگران در راستای تسهیل خودکشی در حقوق ایران جرم نیست اشتباه است و در بسیاری از پرونده ها مستند به مواد قانونی که اشاره شد قابلیت تعقیب و مجازات افراد مذکور وجود دارد.

اعدام و قصاص چه فرقی دارند؟

مریم مرادی عرب

وکیل پایه یک دادگستری



شاید بارها در اخبار درباره مجازات اعدام و قصاص شنیده باشید و کنجکاو باشید که بدانید با وجود اینکه هر دو مجازات با چوبه دار انجام می شود اما این دو مجازات چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ اعدام و قصاص نفس هر دو مجازات هایی سالب حیات هستند اما تفاوت هایی با هم دارند. قصاص نفس، یک مجازات حدی است و نوع و میزان آن در شرع و دین تعیین شده است و حق تغییر آن وجود ندارد اما اعدام یک مجازات تعزیری و بازدارنده است. برای بررسی بیشتر این موضوع به ذکر نکاتی می پردازیم:

۱) اعدام و قصاص نفس هر دو مجازات هایی سالب حیات هستند که در آنها، فرد محکوم به مرگ است.

۲) قصاص نفس، مجازاتی است که برای مرتکبان قتل عمد در نظر گرفته می شود. از همین روی مطابق ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی، قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع در نظر گرفته شده است. همچنین قصاص می تواند در صورت جنایت بر نفس، عضو و منفعت، محقق شود.

در این صورت بر ۳ قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است. به عبارت دیگر مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص نفس است. در حالی که اعدام در دسته بزرگ تری از جرائم اعمال می شود و منشأ آن ممکن است جرائم حدی یا تعزیری باشد.

۳) اعدام حدی، مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده و نمی توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد. (اعدام برای جرائم جنسی، محاربه، ارتداد، بغی، تکرار جرائمی همچون زنا و...) از طرف دیگر اعدام تعزیری مجازات مرگی است که از طرف حاکم تعیین می شود (مانند اعدام در جرائم مواد مخدر).

۴) برخلاف اعدام که قابل گذشت نیست، قصاص نفس یک مجازات قابل گذشت است که تابع شرایط عمومی و خاص برای اجرای آن از جمله تفاضل دیه و تغلیظ آن، درخواست اولیای دم و پس از طی مراحل استیذان و اذن مقام رهبری یا نماینده ایشان است و از طرف دیگر صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می تواند به طور مجانی یا با مصالحه در برابر حق یا مال از اجرای حکم قصاص صرف نظر کرده و قاتل را ببخشد.

نکات حقوقی آپارتمان نشینی

محمدرضا گیوکی

وکیل پایه یک دادگستری



آپارتمان نشینی مقوله ای است که سالهاست در کشور و به خصوص کلانشهرها در حال اجرا و گسترش است. در این باره لازم است شرایط و الزامات مرتبط با این پدیده پیش پا داری شود. به عبارت دیگر، فرهنگ آپارتمان نشینی قبل از واگذاری و سکونت در آن باید تفهیم و اجرائی شود تا شاهد تشکیل پرونده های متعدد حقوقی و کیفری در مراجع قانونی اعم از انتظامی و قضایی و شبه قضایی نباشیم.

اینطور نیست که به بهانه مالکیت ملک هر کس بتواند باب میل خود رفتار کند و با بهانه چهار دیواری اختیاری، با اقدامات خودسرانه خود باعث تضییع حقوق ساکنان شود. در این خصوص باید مقررات مرتبط با آپارتمان و آپارتمان نشینی به دقت تبیین و تشریح شود.

قبل از هر چیزی و در شروع کار به سراغ بیان کردن قوانین مربوط به مشاعات ساختمان می رویم. همانطور که احتمالاً اطلاع دارید مشاعات به قسمت هایی از ساختمان شامل پشت بام، در ورودی، راهرو، پنجره های راهرو، آسانسور، ورودی پارکینگ، پارکینگ اضافی، پله ها، موتورخانه، تاسیسات مشترک، انشعابات مشترک، حیاط، لابی و باغچه و... می گویند.

بسیاری از ساکنان ساختمان ها به دنبال منشور کامل آپارتمان نشینی هستند تا همگی به آن پایبند باشند. در خصوص قوانینی که برای این قسمت ها وجود دارد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) طبق مواردی که در قانون تملک آپارتمان ها بیان شده است، اهالی ساختمان موظف هستند که در حد معمول و استاندارد از مشاعات ساختمان استفاده کنند، به طوری که باعث آزار و ناراحتی دیگران و همسایه ها نشود. برای مثال، هیچ واحدی حق این را ندارد که وسایل خود را در حیاط، پارکینگ یا پشت بام قرار دهد و یا اینکه نمی تواند اگر ساکن طبقه اول است در نظر بگیرد که حیاط ساختمان فقط متعلق به اوست و نمی تواند برای نگهداری وسایل خود از آنجا استفاده کند.

۲) ساکنان ساختمان نمی توانند از مشاعات ساختمان برای نگهداری حیوانات خانگی استفاده کنند.

۳) هیچ کدام از واحدهای ساختمان نمی توانند مشاعات ساختمان را تصرف کنند و بدون هماهنگی آن را به شخص دیگری واگذار کنند. برای مثال اگر شما در یک ساختمان زندگی می کنید حق اجاره پارکینگ برای شما وجود ندارد، مگر اینکه قبل با سایر واحدها در مورد این موضوع صحبت کرده و به توافق رسیده باشید.

۴) قراردادن هر گونه وسایل، زباله، آشغال و هر چیزی که به نوعی سدمعبر ایجاد کند در قسمت های مشاع ساختمان ممنوع است.

شرایط توقیف حقوق کارمندان برای دریافت دیه و خسارت

یوکابد مشفق

وکیل پایه یک دادگستری



با عنایت به اینکه ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، بیان می دارد: «در مورد توقیف حقوق و مزایای کارکنان سازمان ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت های دولتی و شهرداری ها و بانک ها و شرکت ها و بنگاه های خصوصی و نظایر آن در صورتی که دارای زن یا فرزند باشند ربع و الا ثلث توقیف می شود»، پاسخ سؤالات متداول در خصوص نحوه توقیف حقوق کارمندان به این شرح است:

منظور قانونگذار از تصریح عبارت مزایا در ماده مذکور صرفاً مزایای مستمر است یا مزایای غیر مستمر؛ اعم از اضافه کاری، تعطیل کاری، نوبت کاری، حق مأموریت و مانند آن که به صورت غیر مستمر و مازاد بر حکم کارگزینی مستخدم به وی پرداخت می شود رانیز دربر می گیرد. توقیف مورد نظر در ماده ذکر شده باید از نخالص حقوق دریافتی و پیش از کسر حق بیمه سازمان بیمه گر و مالیات متعلقه مورد محاسبه قرار گیرد و یا آنکه توقیف می بایست پس از کسر کسور یاد شده و از باقیمانده (خالص پرداختی) محاسبه و به محکوم له پرداخت شود.

درباره اینکه چنانچه محکوم علیه دارای فرزند تحت تکفل باشد و به وی نفقه پرداخت می شود، آیا حق اولاد دریافتی مشمول توقیف است یا از دایره شمول ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، خارج است، باید گفت کل پرداختی ها به کارمند نظیر پاداش پایان خدمت که در زمان بازنشستگی به بازنشستگان تعلق می گیرد و نیز وجوه اضافه کار، تشویقی، عیدی، کارانه و حق مأموریت و به طور کلی مزایایی که به طور مستمر به کارمند پرداخت نمی شود، غیر از حقوق و مزایای مستمر بوده و مقررات ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ راجع به ممنوعیت توقیف و کسر بیش از ربع یا ثلث از حقوق و مزایای جهت استیفای محکوم به شامل آنها نبوده و فقط ناظر به حقوق و مزایای مستمر کارمند است؛ بنابراین محکوم به را می توان از محل موارد فوق و بدون محدودیت موضوع ماده ۹۶ یاد شده استیفا کرد؛ اما عنوان فوق العاده پرداخت که علی الاصول به نحو مستمر به کارمند پرداخت می شود، مشمول ممنوعیت توقیف مذکور در ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، یک چهارم یا یک سوم حقوق مستخدم پس از کسر کسور قانونی محاسبه و کسر می شود و مقصود از کسور قانونی، کسوری مانند مالیات و بازنشستگی است که به حکم قانون و بدون اختیار مستخدم از حقوق وی کسر می شود اما مبلغ اقساط وام و دیگر تعهداتی که با اختیار و اجازه مستخدم از حقوق وی کسر می شود، در محاسبه یک چهارم یا یک سوم حقوق و مزایا تأثیری ندارد، بنابراین، اجرای احکام پس از کسر کسور قانونی از میزان حقوق و مزایای محکوم علیه به شرح یاد شده، نسبت به اعمال ماده مذکور و اجرای حکم اقدام می کند.